

روایت اختصاصی احسان عبیدی پور، کارگردان سینما از عزاداری با سنج و دمام

شکوه عزای بوشهری‌ها



عزاداری محرم در بوشهر چند کار کرد دارد و به جز کارکرد مذهبی که اولین و اصلی‌ترین جنبه آن است، کارکرد فرهنگی خیلی عمیقی هم دارد. عزاداری محرم شکل زندگی و موسیقی و اصولاً فرهنگ زندگی مردم بوشهر را تحت‌الشعاع قرار داده است. اگر در جنوب، هر مزگان تم اصلی هنری‌اش موسیقی باشد و در چند دهه گذشته خروجی ملودیک و موسیقایی زیادی داشته باشد، در موسیقی مذهبی، اما بوشهر در رده بالاتری نسبت به جاهای دیگر قرار می‌گیرد. البته این موسیقی نزدیکی و قرابت فراوانی هم با خوزستان دارد و این دو خیلی از هم وام گرفته‌اند و به هم شبیه هستند. اما فکر می‌کنم در حوزه خوزستان هم کسانی که فرهنگ موسیقی محرم و نوحه را پیگیری می‌کنند، به این معترف باشند که منبع اصلی اینها بیشتر بوشهر بوده است.

این مراسم‌ها در بوشهر همچنان از رونق قابل توجهی برخوردار است و ما در بوشهر توریست محرم داریم و این مسأله بسیار مهمی است. وقتی یک رویداد توریست دارد، با این که یک مکان یا یک وسیله توریست داشته باشد، متفاوت است. ما یک بار می‌رویم که یک قلعه یا پل را در شهری ببینیم، ولی رویداد این خاصیت را دارد که اگر برایت خوشایند باشد، دوست داری بارها و بارها در آن شرکت کنی. چون مشمول زمان است و هر بار تغییراتی در خودش دارد، در حالی که آن قلعه یا پل تا ابد به همین شکل باقی می‌ماند. بوشهر از این جنبه ورودی گردشگر دارد و این به خوبی نشان می‌دهد که مراسم عزاداری محرم در بوشهر نه تنها برای مردم رو به افول نیست و هر سال پرشور اجرا می‌شود، بلکه در بیرون هم تصویر خوبی از خودش ساخته است.

عزاداری بوشهر روی یک ساختار و چارچوب از آیین‌های سنتی غنی سوار است. یک کودک بوشهری از چهار سالگی دوست دارد دمام به او بدهند تا بنوازد. یا دلش می‌خواهد زودتر بزرگ شود تا در صف سینه یا به قول مردم بومی بُر سینه جای بهتری داشته باشد. وقتی این آیین اینقدر پویاست و سلسله‌مراتب دارد و تو می‌توانی در آن ارتقا پیدا کنی، می‌توانی صاحب درجات و مدارج بالاتری در برگزاری مراسم شوی. این خیلی هوشمندانه است و مثالی که درباره بچه‌ها زدم، درباره خودم هم صدق می‌کند. اولین باری که سنج را به من دادند، حتی نمی‌توانستم درست آن را نگه دارم و کس دیگری برایم نگه داشت. اما این لحظه را هرگز فراموش نمی‌کنم، تا زانوی آدم‌ها بودم و آن پایین داشتم سنج می‌زدم. تقریباً همه بوشهری‌ها هر جایی که زندگی کنند، سعی می‌کنند تاسوعا و عاشورا در بوشهر باشند. من هم هرکاری داشته باشم، تحت هر شرایطی از چند روز زودتر بلیت بوشهر را می‌گیرم.

نکته پایانی این که مراسم عزاداری در بوشهر همان قدر که برای مردان باشکوه است، در بخش زنانه هم بسیار پرشور برگزار می‌شود و متنوع است. دو بخش مردانه و زنانه که از شب پنجم و ششم شروع به عزاداری می‌کنند، شب عاشورا در سینه‌زنی مردانه به هم می‌رسند. یعنی زن‌ها از مجلس زنانه راه می‌افتند و خنجه عقد روی سر می‌گذارند، حجله حضرت قاسم درست می‌کنند، علم و کتل دست می‌گیرند و می‌آیند در جایی که مردان سینه می‌زنند و به آن «برهه» می‌گوییم. به جز دهه اول محرم، در روزهای پایانی ماه صفر هم عزاداری در بوشهر بسیار باشکوه است و به خیابان کشیده می‌شود. برخلاف شهرهای دیگر که خیلی بیرونی رفتار می‌کنند، در بوشهر محله‌ها مرکز ثقل رویدادها هستند و کنار هر حسینیه‌ای یک فضای باز برای سینه زدن وجود دارد. به جز روز عاشورا و ۲۸ صفر که عزاداری بیرونی‌تر است و دسته‌های عزاداری مسجدها، حسینیه‌ها و محلات راه می‌افتند و در خیابان به هم می‌پیوندند.



آهنگی مفقودی

برگ سبز خودرو پراید صبا مدل ۱۳۸۴ رنگ سفید
به شماره پلاک ۷۱۳ ب ۴۴ ایران ۵۵، شماره موتور ۱۳۲۷۵۸۵ و شماره شاسی ۵۱۴۲۲۸۶۰۷۳۴۴ به نام
فرشاد اسماعیلی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

طوق‌بندان شاهرودی‌ها



«روز یا عباس یا عباس» پنجمین روز ماه محرم برای اهالی شاهرود است که مراسم «طوق‌بندان» هم در همین روز برگزار می‌شود. این نشانه یا همان طوق از سه قسمت پایه چوبی، بدنه فلزی سینی مانند مشبک به شکل قلب و زبانه فولادی به عرض تقریبی ۱۰ سانتی‌متر و طول یک متر تشکیل می‌شود که سیاهپوش کردنش در این روز به عهده سادات یا پیرغلامان اباعبدا... است و به باور اهالی شاهرود نماد علم بیرق علمدار کربلاست. پس از پوشاندن پارچه‌های سیاه و سبز بر تن طوق، ساعت ۴ بعد از ظهر، عده‌ای از بزرگان تکیه‌ها در حالی که اشعار محتشم کاشانی را زمزمه می‌کنند، در جلوی دیگر عزاداران به حرکت در می‌آیند؛ در مقابل دسته عزاداری بیرق سفیدی توسط یکی از خدامان تکیه بازار حمل می‌شود. این بیرق به حضرت عباس (ع) منتسب بوده و رنگ سفید نشان از حرکت حضرت به سمت شط فرات و آوردن آب داشته و این پیام را می‌رساند که قصد جنگ ندارد. بزرگ‌ترین و سنگین‌ترین طوق شاهرود «طوق علی بابا» است که بنا بر اعتقاد مردم اگر بر زمین بیفتند باید در همان مکان قربانی داده شود و گرنه برای حمل‌کننده‌اش اتفاقات ناگواری خواهد افتاد.

